

*Research Article*

## A Comparative Review of the Protagonist's Image in the Novels "Neighbors" by Ahmed Mahmoud and "The Face of an Artist Man in His Youth" by James Joyce based on Lawrence Kohlberg's Theory

Zahra Khatami Kashani

### Abstract

Heroes are among key elements of stories that shape the events of the story with their behavior. A comparative study of the heroes in the stories of different nations can show the differences in the society of their origin. One of the tools for comparing heroes is psychological theories. The psychological theory in this article is Kohlberg's moral theory. In this theory, the moral development of people is studied at three levels: pre-contractual, contractual and post-contractual. In the current interdisciplinary research, the heroes in the novel "Neighbors" and "The Face of the Artist in Youth" are examined and compared based on the psychological-moral theory of Kohlberg. The novel "Neighbors" by Ahmad Mahmoud, an Iranian writer, is a realistic work with an extroverted tone; but the novel "The Face of the Young Artist" by Irish author James Joyce has an introspective style. However, the temporality of the two books, as well as the similarity of gender and age of the heroes in the two books, makes comparative criticism of the two possible. In a descriptive-analytical way and based on interdisciplinary studies, this research investigates and studies the application of Kohlberg's psychological-moral theory in the behavior of the heroes of these two novels. This review shows the effect of two different social situations in their moral development and also seeks to prove the claim that the moral development of people does not necessarily stop at level three; Rather, just as sometimes personal and social obstacles and problems prevent a person from moral development, in certain circumstances, a person can begin his moral development in another direction by a rebirth.

**Keywords:** Lawrence Kohlberg, Theory of Moral Development, Ahmad Mahmoud, The Neighbors novel, James Joyce, The Face of the Young Artist

---

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Narag Branch, Islamic Azad University, Narag, Iran

**Correspondence Author:** Zahra Khatami Kashani  
& [zahra.khatami@iau.ac.ir](mailto:zahra.khatami@iau.ac.ir)

**E-mail:** [z.khatami1@gmail.com](mailto:z.khatami1@gmail.com)

**How to Cite:** Khatami Kashani Z., A Comparative Review of the Protagonist's Image in the Novels "Neighbors" by Ahmed Mahmoud and "The Face of an Artist Man in His Youth" by James Joyce based on Lawrence Kohlberg's Theory, Journal of Comparative Literature Studies, 2025;19(76):163-189.



## نقد تطبیقی سیمای قهرمان در رمان‌های «همسایه‌ها» اثر احمد محمود و «چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی» اثر جیمز جویس بر اساس نظریهٔ لارنس کلبِریگ

زهرا خاتمی کاشانی

### چکیده

قهرمانان از عناصر کلیدی داستان‌ها هستند که با رفتار خود حوادث داستان را شکل می‌دهند. بررسی تطبیقی سیمای قهرمانان در داستان‌های ملل مختلف می‌تواند نشانگر تفاوت‌های جامعهٔ خاستگاه آنان باشد. یکی از ابزارهای مقایسهٔ قهرمانان نظریه‌های روانشناختی است. نظریهٔ روانشناختی معیار در این مقاله نظریهٔ اخلاقی کلبِریگ است. در این نظریه رشد اخلاقی افراد در سه سطح پیش قراردادی، قراردادی و فرا قراردادی مطالعه می‌شود. در پژوهش میان‌رشته‌ای حاضر قهرمانان در رمان «همسایه‌ها» و «چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی» بر اساس نظریهٔ روانشناسانه - اخلاقی کلبِریگ بررسی و مقایسه می‌شوند. رمان «همسایه‌ها» اثر احمد محمود نویسندهٔ ایرانی، اثری واقع‌گرا با لحنی برون‌گرایانه است؛ اما رمان «چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی» اثر جیمز جویس نویسندهٔ ایرلندی تبار سبکی درونگرایانه دارد. لیکن تقارن زمانی تألیف دو کتاب و نیز سنخیت جنسی و سنی قهرمان دو کتاب، نقد تطبیقی را امکان‌پذیر می‌سازد. در این پژوهش تطبیقی-میان‌رشته‌ای به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی کاربرد نظریهٔ روانشناسی-اخلاقی کلبِریگ در رفتار قهرمانان این دو رمان مطالعه و مقایسه می‌شود. این بررسی تأثیر دو فضای اجتماعی متفاوت را در رشد اخلاقی آن‌ها نشان می‌دهد و نیز در پی اثبات این مدعاست که رشد اخلاقی افراد الزاماً در سطح سه متوقف نمی‌شود؛ بلکه همان‌گونه که گاه موانع و مشکلات فردی و اجتماعی فرد را از تکامل اخلاقی باز می‌دارد، در شرایطی خاص فرد می‌تواند با تولدی دوباره، رشد اخلاقی خود را در مسیری دیگر آغاز کند.

**واژگان کلیدی:** لارنس کلبِریگ، نظریهٔ رشد اخلاقی، احمد محمود، رمان همسایه‌ها، جیمز جویس، رمان چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

## مقدمه و بیان مسئله

ادبیات تطبیقی (comparative literature) از گرایش‌های مهم ادبیات در دنیای امروز است. این مبحث به عنوان گونه‌ای از نقد ادبی، تأثیر زبان‌ها، فرهنگ‌ها و ملیت‌های گوناگون را در آثار ادبی بررسی می‌کند. هدف اصلی پژوهش در این زمینه مقایسه آثار ادبی ملل مختلف است. برای رسیدن به این هدف، معمولاً سایر رشته‌های علمی و هنری همچون روانشناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی و ... به عنوان ملاک مقایسه به کار گرفته می‌شود. از این رو یکی از ابزارهای مهم نقد تطبیقی ادبیات، مطالعات میان رشته‌ای (Inter disciplinary) است. «گروه مطالعات میان‌رشته‌ای، متشکل از افرادی است که در حوزه‌های مختلف دانش (رشته‌ها) با مفاهیم، اطلاعات، روش‌های مختلف و داده‌هایی که با تلاش کارآمد و مؤثر بر روی یک مسئله سازماندهی شده، تربیت یافته‌اند.» (علوی‌زاده، ۱۹۱: ۱۴۰۰)

یکی از زیرشاخه‌های مطالعات میان رشته‌ای در دنیای ادبیات تطبیقی، نقد روانشناسانه آثار ادبی (psychoanalytic literary criticism) است. این نقد حالات ذهن، احساس و ساختار شخصیتی هنرمندانی از سرزمین‌های مختلف را با هم مقایسه می‌کند. نقد روانشناسانه بیشتر از مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی تأثیر می‌پذیرد. این مکتب که در نیمه دوم قرن بیستم در آمریکا شکل گرفته، برخلاف مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی به رابطه متقابل آثار ادبی توجه ندارد و صرفاً به بررسی و مقایسه ادبیات ملت‌ها با یکدیگر (بدون گفتگو از رابطه تاریخی آن‌ها) می‌پردازد. رنه ولک (Rene wellek) از نظریه‌پردازان این مکتب منظور از روانشناسی ادبیات را «مطالعه روانشناختی نویسنده به عنوان نوع یا فرد یا مطالعه فرآیند آفرینش یا مطالعه سنج‌ها و قوانین روان‌شناختی موجود در آثار ادبی یا سرانجام مطالعه تأثیر ادبیات بر خوانندگان یک اثر ادبی» می‌داند. (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۸۲)

یکی از انواع نقد روانشناسانه، روانکاوی شخصیت‌های داستانی است. (ر.ک. پاینده، ۱۳۹۷: ۹۲-۱۰۳)

در پژوهش تطبیقی-میان رشته‌ای حاضر به روانکاوی قهرمانان در رمان «همسایه‌ها» از احمد محمود و «چهره مرد هنرمند در جوانی» اثر جیمز جویس پرداخته شده است. این تطبیق با رویکرد نظریه اخلاقی کلبگ (Kohlberg) انجام شده تا شباهت‌ها و تفاوت‌های سیر اخلاقی دو قهرمان در دو جامعه متفاوت را نشان دهد. برای رسیدن به این هدف خالد قهرمان رمان «همسایه‌ها» و استیون ددالوس قهرمان رمان «چهره مرد هنرمند در جوانی» در سطوح سه گانه نظریه کلبگ قرار می‌گیرند و مقایسه می‌شوند.

## پیشینه پژوهش

نظریهٔ اخلاقی کلبِ برگ در دانش روانشناسی و نیز مذهب جایگاه خود را پیدا کرده و ده‌ها کتاب و مقاله بر محور آن نوشته شده است؛ ولی از آنجا که هنوز زمان زیادی از معرفی آن نمی‌گذرد، پژوهشگران ادبی به آن چندان توجهی نداشته‌اند. عمدهٔ آثاری هم که بر این اساس خلق شده مربوط به حوزهٔ ادبیات تعلیمی است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- رحمانیان، زینب، «بررسی تطبیقی رشد اخلاقی در قابوسنامه از دیدگاه کلبِ برگ»، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، ش ۸، پاییز ۱۳۹۳، صص ۴۵-۳۲.

در این مقاله نویسنده سطوح و مراحل نظریهٔ اخلاقی کلبِ برگ را با آموزه‌های قابوسنامه تطبیق می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که رشد اخلاقی در قابوسنامه مراحل بیشتری را داراست. از جمله این که طبق نسخهٔ اخلاقی عنصرالمعالی انسان می‌تواند مرحلهٔ شش نظریهٔ اخلاقی کلبِ برگ را نیز تجربه کند.

۲- مهتدی، حسین. «بررسی روان‌شناختی مراحل تحول رشد اخلاقی در داستان «صراخ القبور» (فریاد گورها) بر اساس نظریهٔ لارنس کلبِ برگ»، لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال ۱۱، دوره جدید، ش ۳۹؛ بهار ۱۳۹۹، صص ۸۷-۱۰۵.

در این پژوهش، نویسنده به شیوهٔ استقرایی و تقسیم پرسشنامه در میان دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم به بررسی روان‌شناختی داستان «صراخ القبور» از جبران خلیل جبران می‌پردازد و نشان می‌دهد که تمام شش مرحلهٔ رشد اخلاقی کلبِ برگ در این داستان با توجه به استدلال‌های افراد قابل اجرا است.

۳- آرامی، سیمین؛ صراطی، ژیلا؛ حاجی‌زاده، حسین؛ دهقان، علی «تحلیل رفتار شخصیت‌های داستانی منظومهٔ خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریهٔ رشد اخلاقی کلبِ برگ»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ش ۵۰، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۴۹-۱۲۰.

در این نوشتار، نویسندگان شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین را از دیدگاه تعلیمی مورد بحث قرار می‌دهند و در پی علل انگیزهٔ رفتارهای آنان بر اساس نظریهٔ کلبِ برگ هستند.

۴- آرامی، سیمین؛ صراطی، ژیلا؛ حاجی‌زاده، حسین؛ دهقان، علی «تحلیل اخلاقی تمثیل‌های مخزن الاسرار نظامی براساس نظریهٔ مراحل رشد اخلاقی لارنس کلبِ برگ»، تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، ش ۵۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۶-۲.

در این پژوهش شخصیت‌های تمثیلی مخزن الاسرار نظامی در چارچوب نظریهٔ اخلاقی کلبِ برگ بررسی می‌شوند. در این بررسی نویسندگان با در نظر گرفتن نه کد اخلاقی رتبهٔ اخلاقی شخصیت‌های تمثیلی اثر موردنظر را تعیین می‌نمایند.

۵- دهمرده، حیدرعلی. «بررسی شخصیت‌های داستانی تاریخ بیهقی بر اساس نظریه رشد اخلاقی کلبرگ»، نشر پژوهی ادب فارسی، ش ۵۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۱۶۷-۱۴۵. نویسنده در این مقاله به تحلیل روانشناسانه شخصیت‌های تاریخ بیهقی بر اساس نظریه رشد اخلاقی کلبرگ می‌پردازد تا انگیزه آنان را درباره رفتارهایی خاص ریشه‌یابی کند. چنانکه دیده می‌شود تاکنون در هیچ اثر پژوهشی نظریه اخلاقی کلبرگ به عنوان معیار و محک سنجش ادبیات تطبیقی به کار نرفته است. این مهمی است که در جستار پیش‌رو مورد توجه قرار می‌گیرد تا تأثیر دو فضای اجتماعی متفاوت را در رشد اخلاقی نشان دهد و اثبات و تأکید نماید که رشد اخلاقی انسان الزاماً در سطح سه متوقف نمی‌شود.

### روش و پرسش‌های پژوهش

این جستار تطبیقی به شیوه کتابخانه‌ای و بر مبنای مطالعات میان‌رشته‌ای صورت گرفته است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است به این ترتیب که رفتار قهرمانان در رمان مورد بحث با سطوح سه‌گانه نظریه اخلاقی کلبرگ سنجیده و مقایسه می‌شود تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

- ۱- سیر تحول اخلاقی شخصیت‌ها مطابق نظریه کلبرگ در جوامع مختلف چه تفاوت‌هایی دارد؟
- ۲- سیر تحول شخصیتی - اخلاقی خالد به عنوان یک انسان عادی با استیون ددالوس به عنوان یک ابرانسان چه تفاوت‌هایی دارد؟
- ۳- همه افراد فقط یک بار و آن هم با نظم و ترتیب مراحل نظریه اخلاقی کلبرگ را تجربه می‌کنند؟

### بحث اصلی

پیش از نقد تطبیقی دو رمان، توضیحی اندک درباره نظریه رشد اخلاقی کلبرگ به عنوان معیار تطبیق دو اثر مورد بحث ضروری می‌نماید.

### مبانی نظری

بررسی اخلاق فردی و اجتماعی از حوزه‌های پژوهشی مورد علاقه رشته‌هایی چون ادبیات و روانشناسی است. «از منظر فلسفه اخلاق، عوامل و زمینه‌های رفتار انسان پدیده مشترک و جهانی است که پژوهش‌های علمی می‌تواند آن‌ها را بررسی و تحلیل کند.» (آرامی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲)

این نگرش نظریه‌های اخلاقی فراوانی را شکل داده است. تحقیقات روان‌شناختی در موضوع رشد اخلاقی با مفهوم وجدان در آثار فروید (Freud) و مفهوم استدلال اخلاقی در آثار ژان پیاژه (Piaget) آغاز می‌شود. (ر.ک: جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۲)

از دیدگاه پیاژه استدلال اخلاقی عبارت است از به‌کارگیری اصول منطق در مسائل اخلاقی برای اینکه مشخص شود چه عملی درست یا نادرست است. (ر.ک: فانی و فانی، ۱۳۹۴: ۹۳)

پیاژه جوهرهٔ اخلاق رشد یافته را انصاف و عدالت می‌داند. از نگاه او عدالت رشد یافته «محدودیت‌های متعالی است که در جریان تبادل دیدگاه‌ها با همسالان تعیین شده و به تدریج بهبود می‌یابد.» (Piaget, 1961: 378)

مطالعاتی که پیاژه دربارهٔ رشد اخلاقی انجام داد، زمینه‌ای شد برای نظریهٔ رشد اخلاقی کلبِرگ؛ با این تفاوت که کلبِرگ در بررسی‌های خود بیشتر به استدلال اخلاقی توجه داشت. از نگاه او «میان رشد اخلاقی و رشد شناختی درجه‌ای از همسانی برقرار است.» (نصیری، ۱۳۸۷: ۲)

«برخلاف دیدگاه‌های سنتی در اندیشهٔ غرب که اخلاق را تابع فرهنگ می‌داند، دیدگاه شناختی - تحولی» روندهای سنی کلی (بین فرهنگی) را در رشد اخلاقی به رسمیت می‌شناسد که سرانجام به صلاحیت اخلاقی می‌انجامد. همچنین برخلاف دیدگاه‌های سنتی که عاطفه را منبع انگیزشی رفتار اخلاقی می‌داند، دیدگاه شناختی - تحولی، انگیزهٔ اخلاقی را بر شناخت و تحول شناختی مبتنی می‌داند.» (Gibbs, 1995: 27)

از نظر کلبِرگ عواطف به تنهایی نسبت به امر اخلاق خنثی هستند؛ نه اخلاقی هستند و نه غیر اخلاقی. آنچه به عواطف و احساسات بار اخلاقی می‌دهد شناخت و دیدگاهی است که در پس آن نهفته است. (ر.ک: دیبا و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱۵)

به سخن دیگر هیچ احساس و رفتاری را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن نیت و قصد فاعل آن اخلاقی یا غیر اخلاقی دانست. کلبِرگ برخلاف پیاژه که علاوه بر مطالعهٔ بالینی به مشاهدات نیز متکی بود، نظریهٔ خود را تنها بر اساس مصاحبه‌های بالینی شکل می‌دهد. او یک سری داستان‌های معمّاگونه - مثلاً داستان هاینز - را برای سنین مختلف تعریف می‌کند و پاسخ‌های آن‌ها را مبنایی برای نظریهٔ خود قرار می‌دهد. نظام مرحله‌ای رشد اخلاقی از نگاه کلبِرگ ویژگی‌هایی دارد از جمله: تفاوت کیفی استدلال‌های اخلاقی در مراحل مختلف، کلیت و ساخت یافتگی هر مرحله، توالی تغییرناپذیر در مراحل، انضمام سلسله مراتبی در مراحل، شایستگی و توجیه‌پذیری مراحل بالاتر نسبت به مراحل پایین‌تر. (ر.ک: همان، ۳۴۵-۳۳۴)

نظریهٔ اخلاقی کلبِرگ سه سطح دارد و هر سطح شامل دو مرحله است.

### الف) سطح اخلاق پیش‌قراردادی (preconventional level)

در این مرحله هیچ‌یک از ارزش‌های اخلاقی برای فرد درونی نشده و استدلال اخلاقی بیشتر پیرو تنبیه یا پاداشی است که از بیرون رفتار او را کنترل می‌کند. این سطح دو مرحله دارد:

۱. اخلاق با جهت‌گیری تنبیه
  ۲. اخلاق با جهت‌گیری لذت‌گرایی ابزاری و نسبی
- در این سطح ویژگی‌های فردی چون خودمحوری، ترس غیر عقلانی از تنبیه، لذت‌خواهی و عدم تعهد نسبت به دیگران مشاهده می‌شود. (ر.ک: لاپسلی، ۱۳۸۹: ۱۵۰ و کدیور، ۱۳۷۸: ۴۸ و Kohlberg, 1981: 102-121)

### ب) سطح اخلاق قراردادی (conventional level)

در این سطح، فرد از زندگی فردگرایانه خود فاصله گرفته، به روابط میان‌فردی و نیازهای دیگران توجه می‌کند؛ به گونه‌ای که برآوردن آن انتظارات به خودی خود و بدون در نظر گرفتن پیامدهای فوری و آشکار برای او ارزشمند می‌شود. فرد در این سطح از رشد اخلاقی نسبت به انتظارات دیگران و نظم و نظام اجتماعی احساس تعهد کرده، فعالانه در جهت حفظ، حمایت و توجیه آن گام برمی‌دارد و با افراد و گروه‌هایی که در آن‌ها وارد شده همانندسازی می‌کند. (ر.ک: لاپسلی، همان: ۱۴۹)

این سطح نیز دو مرحله دارد:

۱. اخلاق با جهت‌گیری «پسر خوب - دختر نازنین»
  ۲. اخلاق با جهت‌گیری پذیرش نظم اجتماعی
- در این سطح ویژگی‌های فردی مانند شرکت فعال در گروه‌های اجتماعی، توجه به نیت افراد، عدالت‌خواهی و رعایت نظم و قانون دیده می‌شود. (ر.ک: لاپسلی، همان: ۱۴۹ و کدیور، همان: ۵۰-۵۱)

### ج) سطح اخلاق فرا قراردادی (postconventional level)

این سطح اخلاقی بالاترین سطح رشد است که در آن نه تنها ارزش‌ها که استدلال اخلاقی هم برای فرد درونی شده است. در این سطح فرد شخصاً قادر است جریان‌های مختلف اخلاقی را بشناسد و یکی از آن‌ها را برگزیند. (Kohlberg, 1976: 13)

این سطح نیز دو مرحله دارد:

۱. اخلاق با جهت‌گیری وضع قانون بر اساس قرارداد اجتماعی
۲. اخلاق با جهت‌گیری اصول اخلاقی جهانی

در این سطح فرد به دور از تعصب به خود قانون می‌نگرد، آن را نسبی می‌انگارد و توان تغییر آن را در جهت منافع اکثریت دارد. کلبِرگ ویژگی مهم مرحله شش را «شجاعت اخلاقی» معرفی می‌کند. (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۷: ۱۳۲)

بنابراین لازمه رسیدن به مرحله شش نظریه کلبِرگ، دستیابی به تدوین اصول اخلاقی انتزاعی است که درصد کمی از افراد به آن می‌رسند. به همین سبب کلبِرگ این مرحله را معمولاً یک مرحله فرضی می‌داند. این در حالی است که گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که برخی افراد خاص از جمله اولیاء الله و عرفا به این مرحله رسیده و گاه حتی از آن عبور کرده، وارد مرحله هفت شده‌اند. مرحله هفت که با عناوینی چون اخلاق استعلایی، اخلاق جهت‌گیری جهانی یا پیوند دین و استدلال اخلاقی شناخته می‌شود، مرحله‌ای پویاست به این معنی که فرد پس از تجربه مرحله شش، بدون درنگ به مسیر خود ادامه می‌دهد و گاه در مسیر جدید ناگزیر همه مراحل رشد اخلاقی را یک بار دیگر می‌گذراند تا به کمال دلخواه خود برسد.

با این حال ادعای جهان‌شمولی و یکسانی مراحل در فرهنگ‌های مختلف (ر.ک: Kohlberg, 1981: 122-126) سبب شده پژوهشگران شاخه‌های مختلف دانش و هنر به این نظریه توجه ویژه داشته باشند. پژوهش میان‌رشته‌ای حاضر نیز بر همین اساس رشد اخلاقی قهرمانان دو رمان «همسایه‌ها» و «چهره مرد هنرمند در جوانی» را مورد بررسی قرار می‌دهد. این بررسی از سویی تأثیر و تأثر رشد اخلاقی شخصیت‌ها را از مسائل خانوادگی و اجتماعی نشان می‌دهد و از سوی دیگر اثبات می‌کند که همه انسان‌ها الزاماً یک بار مسیر اخلاقی کلبِرگ را طی نمی‌کنند بلکه برخی افراد به سبب وجود موانع فردی یا اجتماعی قادر به تجربه مراحل بالایی نیستند و عده‌ای دیگر به دلیل ظرفیت وجودی خود و یا به سبب زمینه مساعد اجتماعی از مرحله شش هم عبور کرده، به مرحله هفت که مرحله اخلاق استعلایی است می‌رسند.

## نقد تطبیقی سیمای قهرمان در رمان «همسایه‌ها» و رمان «چهره مرد هنرمند در جوانی»

### سطح اخلاق پیش‌قراردادی

#### سطح اخلاق پیش‌قراردادی قهرمان در رمان «همسایه‌ها»

این سطح چنان که پیش‌تر گفته شد به استدلال‌های اخلاقی کودکان پیش از هفت سال می‌پردازد و شامل دو مرحله است. در مرحله اول جهت‌گزینی بر اساس تنبیه و ترس از آن است و در مرحله دوم پاداش و دریافت آن جهت اخلاقی کودک را مشخص می‌کند.

کتاب «همسایه‌ها» چنان‌که از نامش پیداست به روزگار چند خانواده در یک خانه مشترک در سال‌های مقارن نهضت ملی شدن نفت می‌پردازد. این خانواده‌ها هریک به شکلی با فقر اقتصادی و فرهنگی درگیر هستند. به طور کلی «در داستان‌هایی که به شیوه رئالیسم اجتماعی نوشته شده‌اند، بیشتر به افراد محروم و طبقات فرودست توجه می‌شود و عمده توجه این داستان‌ها مسائل اقتصادی، فقر و تضاد طبقاتی حاکم بر جامعه است.» (مختاری و کاظم‌پور، ۱۳۹۸: ۲۳۹) قهرمان این کتاب - خالد - پسر پنج ساله‌ای است که در نقش راوی زندگی خود و دیگران را بازگو می‌کند. «نویسنده از طریق انتخاب نوجوانی کم‌تجربه و کنجکاو به‌عنوان راوی و قهرمان داستان و قرار دادن او در کنار شخصیت‌های فرعی متعدد و از طریق ذهن کنجکاو و زبان ساده او توانسته است به خلق اثری با غنای کامل و هماهنگی بین شکل و محتوی ناآل شود.» (منگلی، ۱۳۹۹: ۶۷) این راوی در صفحات اول این کتاب با نگاهی کودکانه محیط بسته خانه را که سرشار از تضاد، تنش و درگیری است به خواننده معرفی می‌کند:

«باز فریاد بلور خانم تو حیاط دنگال می‌پیچد. امان آقا کمر بند پهن چرمی را کشیده است به جانش.» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۱)

از همین صفحه اول آشکار است که راوی روابط دیگران را بر اساس تنبیه و ترس از آن تحلیل می‌کند. این ترس به رابطه خود او با دیگران نیز منتقل می‌شود به گونه‌ای که تا حدود صفحه ۴۲ عملکرد اخلاقی او را شکل می‌دهد: «هیچ‌وقت [بانو] این‌طور نگاهم نکرده است. اگر فهمیده باشد که رفته‌ام تو اتاق بلور خانم وای به حال روزگارم... اگر پدرم بفهمد... اگر امان آقا بفهمد!» (همان: ۴۱)

در همین صفحات به موازات مرحله یک نظریه کلبه‌گ، نشانه‌هایی از مرحله دو نیز دیده می‌شود. در این مرحله شخصیت تنها به لذت شخصی خود که غالباً زودگذر است و ممکن است با منافع دیگران تضاد نیز داشته باشد می‌اندیشد. خالد در اوج بیکاری پدر و فقر و آشفتگی خانواده، از خانه‌نشینی و عدم نظارت پدر سوءاستفاده می‌کند تا به تفریح خود بپردازد:

«ظهر که می‌شود، پدرم دکان را می‌بندد و عصر می‌نشیند خانه... حالا عصرها، هر وقت که دلم بخواهد می‌توانم بروم قهوه‌خانه امان آقا بنشینم و به آواز حبس صوت گوش بدهم. هر وقت دلم بخواهد می‌توانم با ابراهیم و حسنی بروم و بنشینم و چای بخورم و دومینو بازی کنم. هوا هم که حسابی گرم شده است. اگر دلم بخواهد می‌توانم بروم «چرخاب» شنا کنم.» (همان: ۲۳)

در این مرحله خودخواهی فرد با ظاهری آمیخته می‌شود. فرد مورد مطالعه که سال‌های پنج تا هفت سالگی را می‌گذراند، به دنیای اطراف و آدم‌ها نگاهی سطحی دارد. قضاوت خالد درباره همسایه‌ها نیز این گونه است.

محمد مکانیک تنها عضو خانهٔ شلوغ همسایه‌هاست که کارش سودمند و مشخص است، همسری سالم و محبوب دارد و پسرش مدرسه می‌رود. خالد پنج - شش ساله از این همه ناخن‌های سیاه محمد مکانیک را می‌بیند و سخنان منفی دیگران را درباره‌اش باور می‌کند: «پدرم با خواجه توفیق از کتاب اسرار قاسمی حرف می‌زند... محمد مکانیک هم نشسته است. نیم ساعتی هست که محمد مکانیک از سرکار آمده است. همیشه زیر ناخن‌هاش سیاه است... پدرم می‌گوید حتی خندیدن تو صورت محمد مکانیک هم کفاره دارد.» (همان: ۲۶)

«گاهی حرف‌ها و خنده‌های این محمد مکانیک بدجوری تو ذوق می‌زند.» (همان: ۲۹)  
اما دربارهٔ حاج شیخ علی که گفتار و رفتارش مشوق تنبلی و تن‌پروری است، خالد را از ادامهٔ تحصیل بازداشته و پدرش را ناامید از کسب و کار به کتابی واهی به نام اسرار قاسمی دلخوش کرده، به گونه‌ای خوشایند سخن می‌گوید:

«حاج شیخ علی به خانه‌مان برکت می‌دهد. به کار و کاسبی پدرم برکت می‌دهد... دست حاج شیخ علی را می‌بوسم.» (همان: ۲۹)

زمانی که غلام، پسرخاله رعنا از سربازی می‌آید و با آب و تاب از خاطرات سربازی می‌گوید، خالد به این که بچه‌ها او را کنار غلام ببینند، افتخار می‌کند:  
«می‌روم و می‌ایستم کنار پسرخاله، بچه‌ها انگار که حسودیشان می‌شود. بازوهای پسرخاله تو فرنچ نظامی قالب گرفته شده، حرف که می‌زند، گردن می‌گیرد. سینه را جلو می‌دهد. با چشم‌ها و ابروها بازی می‌کند.» (همان: ۳۰ و ۳۱)

### سطح اخلاق پیش‌قراردادی قهرمان در رمان «چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی»

معرفی، تحلیل و تغییر سطوح اخلاقی کلبرگ در رمان «چهرهٔ هنرمند...» اثر جیمز جویس نیز امکان‌پذیر است؛ اگرچه به دلیل لحن متفاوت این کتاب - تک‌گویی درونی و شیوهٔ جریان سیال ذهن و نیز عدم توالی زمانی رخدادها - ترتیب این سطوح گاه به هم می‌ریزد و انطباق صفحاتی خاص بر مرحله‌ای خاص از تئوری دشوار - و حتی اشتباه - می‌نماید.

قهرمان این کتاب که به پندار منتقدان ادبی تصویری از نویسنده است، در حدود صد صفحهٔ اول کتاب در سطح یک اخلاقی کلبرگ به سر می‌برد. در این صفحات حتی شیوهٔ بیان نویسنده متفاوت است. کتاب با داستانی کودکانه که پدر قهرمان سه ساله برای او تعریف می‌کند آغاز می‌شود:

«روزی بود و روزگاری و بس خوش روزگاری یه گاو ماغ‌کشی بود که داشت از جاده روبه پایین می‌اومد و این گاو ماغ‌کش که داشت از جاده روبه پایین می‌اومد یه پسر کوچولویی را دید

که اسمش بچه توکو بود... آن قصه را پدرش برایش تعریف کرده بود: پدرش از پشت یک تکه شیشه به او نگاه می‌کرد: صورتش پر مو بود. بچه توکو خودش بود...» (جویس، ۱۳۸۰: ۱۵)

در این صفحات پدر، مادر، دانه و سایر اعضای خانواده از نگاه این قهرمان کوچک سال معرفی می‌شوند:

"بوی مادرش از بوی پدرش بهتر بود. مادرش برای او پیانو رنگ ملوانی می‌زد تا برقصد او می‌رقصید... دایی چارلز و دانه دست می‌زدند. آنها از پدر و مادرش پیتر بودند اما دایی چارلز از دانه پیتر بود... هربار برای دانه دستمال کاغذی می‌برد یک قرص کات هندی به او می‌داد." (همان: ۱۶)

سپس پسر بچه از فضای کوچک خانه وارد مدرسه می‌شود و با همسالان و اولیاء مدرسه ارتباط می‌یابد:

«زمین‌های بزرگ بازی مملو از پسر بچه بود. همه داد و فریاد می‌کردند و ناظم‌ها با نعره آن‌ها را به جنب و جوش می‌انداختند... استیون در گوشه تیم دوره خود پا به پا می‌مالید و دور از چشم سرپرستش، دور از تیررس لگدهای سخت، گاه به گاه وانمود می‌کرد که می‌دود. حس می‌کرد که بدنش در میان انبوه بازیکنان کوچک و ناتوان است و چشم‌هایش ضعیف و نمور بود.» (همان: ۱۷)

در این صفحات به آرامی تضاد و کشمکشی که لازمه شروع داستان است و خواننده را به مطالعه اثر ترغیب می‌کند دیده می‌شود. تضاد گاو و بچه توکو، تضاد بچه کوچک و صورت پر موی پدر، تضاد کودک ضعیف و همسالان زورمند. از دل همین تضادها ویژگی‌های سطح یک نظریه کلبرگ بیرون می‌آید. در این دوره تنبیه و ترس از تنبیه بیشتر عملکرد قهرمان را شکل می‌دهد:

«مادرش گفت: - وای، استیون باید عذرخواهی کنه. دانه گفت: - وای، و آلا عقاب می‌آید و چشم‌هاشو از جا می‌کنه...» (همان: ۱۶)

در این مرحله «چون احتمالاً قدرت، برجسته‌ترین ویژگی دنیای اجتماعی کودک است، ترس و بر حذر بودن او از تنبیه بسیار شدید و غیر عقلانی می‌باشد، به گونه‌ای که حتی اطاعت بی چون و چرا و کورکورانه از قدرت، به خودی خود برای او دارای ارزش می‌شود. در نتیجه مقررات اخلاقی در دید او ارزش ذاتی ندارند؛ یعنی کودک به ارزش انسانی حاصل از آن‌ها توجهی ندارد، بلکه آن‌ها را نشان‌دهنده رفتار موجب تنبیه می‌داند.» (ر.ک: Kohlberg, 1976 : 54-56)

قهرمان کتاب «چهره هنرمند...» در خانه و جامعه‌ای زندگی می‌کند که دغدغه اصلی آن مسائل مذهبی است؛ پس بی سبب نیست که گرایش‌های مذهبی مراحل مختلف رشد اخلاقی او

را شکل دهد. از جمله در مرحلهٔ یک، قدرت مطلق که قهرمان از او پیروی می‌کند، قدرتی مذهبی است؛ یا خداست یا نمایندهٔ خدا در هیئت کشیش.

«... اما حتی دست زدن به آن (ظرف شراب مراسم عشای ربّانی) هم کار عجیب و گناه بزرگی بوده است. با خوفی شدید دربارهٔ آن اندیشید؛ گناهی عظیم و عجیب: اندیشیدن دربارهٔ این کار... او را به لرزه درآورد.» (جویس، ۱۳۸۰: ۶۶)

در مرحلهٔ دو از سطح یک این کتاب، قهرمان خردسال - همچون قهرمان رمان همسایه‌ها - سرشار از حسّ کودکانه با توجه به ظاهر افراد و پدیده‌ها لذّت‌گرایی نسبی را تجربه می‌کند: «از قیافهٔ ولز خوشش نمی‌آمد. همین ولز بود که روز پیش با شانه هلش داده بود توی چالهٔ مستراح، چون حاضر نشده بود انفیه‌دان کوچکش را با بلوط خشک او، که برندهٔ چهل دور بازی بود، تاخت بزند.» (همان: ۲۵)

این لذّت‌گرایی گاه قواعد اخلاقی و هنجارهای اجتماعی را پشت سر می‌گذارد: «با پسرپچه‌ای به نام اوبری میلز همدست شد و در خیابان یک دستهٔ بزن بهادر درست کرد... دستهٔ بزن بهادر به باغچهٔ خانهٔ پیرزن‌ها هجوم می‌بردند یا به قلعه می‌رفتند و روی صخره‌های پر از علف و خس و خاشاک نبرد می‌کردند و پس از آن خسته و پراکنده به خانه بازمی‌گشتند.» (همان: ۸۷)

### نقد تطبیقی سطح اخلاق پیش قراردادی در دو رمان

از آنجا که دامنهٔ ارتباط قهرمانان دو رمان هنوز محدود به خانه، اطراف خانه و مدرسه است؛ هر دو به شکل منظم سطح یک نظریهٔ کلبرگ را پشت سر می‌گذارند. در این مرحله اندک تفاوت‌هایی دیده می‌شود از جمله این که در رمان «همسایه‌ها» مرجع تنبیه و تشویق معمولاً «پدر» است ولی قهرمان «چهرهٔ مرد هنرمند...» خدا یا کشیش به عنوان نمایندهٔ خدا را قدرت مطلق می‌بیند.

### سطح اخلاق قراردادی

#### سطح اخلاق قراردادی قهرمان در رمان «همسایه‌ها»

در این سطح، روابط بین فردی رشد اخلاقی بیشتر به عنوان گرایش «پسر خوب - دختر نازنین» شناخته می‌شود و بر تحقق انتظارات و نقش‌های اجتماعی تمرکز می‌کند. این تمرکز بر رعایت نظم و قانون از طریق پیروی از قوانین اجتماعی، انجام وظایف و پذیرش اقتدار در خانه و اجتماع است.

زمانی که خالد به گناه ناکرده به کلانتری احضار می‌شود، کتک می‌خورد و با پندار (یکی از مبارزان) آشنا می‌شود، سطح یک اخلاقی کلبرگ را پشت‌سر گذاشته، به سطح دو اخلاقی ورود می‌کند. اولین نشانه این ارتقاء سطح، مکانی است یعنی خالد از فضای کوچک خانه و محدوده چند کوچه عبور کرده، وارد فضای بزرگ‌تری از جامعه یعنی کلانتری می‌شود. به دنبال این تغییر مکانی، ارتباطات جدید شکل می‌گیرد و قهرمان داستان که در سطح یک تنها با خانواده، همسایه‌ها و همسالان خود در ارتباط بوده، اکنون با جوانانی مبارز و مجاهد آشنا می‌شود که در وسعت دید و شخصیت او تأثیرگذار خواهند بود. از نظر زبانی و در متن روایت داستان نیز این تحول آشکارایی دارد. زمانی که غلامعلی خان برای راوی پاسبان می‌فرستد، راوی برای خود تعبیر «یک بچه فسقلی» می‌آورد:

«فکر تنها چیزی را که نمی‌کردم همین بود. این که غلامعلی خان برود و برای یک بچه فسقلی پاسبان بیاورد.» (محمود، همان: ۴۴)

ولی پس از تنبیه و کتک خوردن در کلانتری، برای قهرمان - از زبان پندار - لفظ «آقا» به کار می‌رود:

«می‌نشینم کنار دیوار سنگی کلانتری و تکیه می‌دهم... کسی صدام می‌کند. - آقا! ... خیلی آهسته صدا می‌کند. گوش‌هام را تیز می‌کنم. - آقا! با شما هستیم.» (همان: ۴۵)

تحول شخصیت راوی حتی در لباس و حرکات و سکنتات او هم به چشم می‌خورد؛ در اتاق پدر می‌خوابد و شال او را به گردن می‌اندازد:

«دم دمای غروب، خورشید، خودی نشان می‌دهد و باز ناپیدا می‌شود. شال یشمی شیر شکری رنگ پدرم را دور گردنم می‌پیچم.» (همان: ۱۰۲)

در این سطح اخلاقی راوی - قهرمان از مرحله خودخواهی گذشته، به دیگرخواهی می‌رسد. او که زمانی به لذت‌های زودگذر فردی دلخوش بود، اکنون در پی کسب تأیید دیگران است. هنگامی که او از کلانتری به خانه برمی‌گردد، نگاهی متفاوت به خانه و خانواده خود دارد. در این نگاه متفاوت، دیگرخواهی و جذب تأیید دیگران دیده می‌شود:

«مادرم دم در خانه منتظرم است. جمیله آنقدر گریه کرده که چشمانش پف کرده است. مادرم پیشانی‌ام را می‌بوسد... همراه امان آقا می‌روم تو خانه... آن چنان قیافه پدرم تو هم است که دلم برایش می‌سوزد. انگار اولین بار است که می‌بینم شقیقه‌هایش پاک سفید شده است و انگار اولین بار است که می‌بینم چشم‌هایش گود افتاده است و استخوان‌های صورتش بیرون زده است و پیشانی‌اش پر چروک شده است. دور از پدرم می‌ایستم. سرم را می‌اندازم پایین.» (همان: ۴۷)

زمانی که راوی می‌فهمد مادرش در خانهٔ سروان کار می‌کند اندوهگین می‌شود و تصمیم می‌گیرد برای خرجی خانه بیشتر کار کند. (همان، ۸۵ و ۸۶) او که به شدت دلتنگ پدر شده، می‌کوشد جای خالی او را در خانه پر کند. (همان: ۹۲)

در فرآیند دیگرخواهی به تدریج شخصیت قهرمان رشد می‌کند و نگاه تازهٔ او شکل می‌گیرد. این نگاه و فکر جدید گاه از زبان شخصیت‌های دیگر داستان نیز بیان می‌شود:

«عمو بندر! حرفم را می‌برد. - آخه پسر، اگه ما آدمای یه لاقبا به همدیگه کمک نکنیم، کی به دادمون می‌رسه؟ از حرف عمو بندر دلم می‌لرزد. انگار بیدار است که رفته است تو جسم عمو بندر... - باید متحد بشیم، جدا جدا هیچ کاری از دستمون بر نمیداد. خرد می‌شیم، نابود می‌شیم، باید به همدیگه جوش بخوریم، مته آهن، مته فولاد...» (همان: ۱۲۷ و ۱۲۶)

خالد روزی کبوترهایش را می‌فروشد تا با پول آن بیماری حسنی را مداوا کند (همان: ۱۷۳) و روزی دیگر خطر می‌کند و روزنامه می‌فروشد (همان: ۱۷۰ و ۱۶۹).

در آغاز فصل ۳ کتاب، شخصیت به‌طور کامل از مرحلهٔ سه گذشته و به چهار وارد می‌شود: «بیدار نشانی [جلسه را] می‌دهد. تمام حرف‌ها برایم تازگی دارد. چشمم به دنیای تازه‌ای باز می‌شود. از حرف‌ها دستگیرم می‌شود که چرا زندگی تهیدستان روز به روز بدتر می‌شود، که چرا آدم‌هایی مثل پدرم باید جل و پلاشان را جمع کنند و دنبال صنار - سه شاهی پول از این ولایت به آن ولایت سگ دو بزنند...» (همان: ۱۷۷)

ویژگی بارز عملکردی مرحلهٔ چهار حفظ نظام اجتماعی و وجدان است. خالد زمانی که با پای شکسته و ورم کرده وارد خانهٔ سیه چشم می‌شود، از جوراب سوراخ‌دار، لباس خاکی و از این که آن‌ها را به زحمت انداخته، شرمند است:

«تو خیابون پرند پر نمی‌زندی. تکیه می‌دهم به پایهٔ چراغ برق. یک لحظه به سیه چشم نگاه می‌کنم. بعد، سرم را می‌اندازم پایین و آهسته می‌گویم: - منو ببخشین که امروز مزاحمتون شدم.» (همان: ۱۸۷)

ولی چون قهرمان در جامعه‌ای زندگی می‌کند تنش زده که مردم - و نیز قهرمان - برای دستگاه حاکم و قوانین آن چندان ارزشی قائل نیستند، قهرمان به نظام اجتماعی چندان توجهی ندارد و مدت کوتاهی در این مرحله درنگ می‌کند. گویا فضای جامعه به گونه‌ای است که قهرمان به سرعت رشد می‌کند از سه به پنج و سپس به شش.

### سطح اخلاق قراردادی در رمان «چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی»

در کتاب «چهرهٔ مرد هنرمند...»، قهرمان که از کودکی به دنبال تحسین و تأیید دیگران است، کمی زودتر از محدودهٔ زمانی نظریهٔ کلبرگ وارد مرحلهٔ سه می‌شود. او در مدرسه می‌کوشد که

بهترین و سردسته باشد و زمانی که به دلیل شکسته بودن عینک از عهده تکالیف برنمی‌آید و مؤاخذه می‌شود، سخت برمی‌آشوبد به گونه‌ای که تا برای مدیر توضیح ندهد و احقاق حق نکند آرام نمی‌گیرد:

«در حَقّش بی انصافی و ظلم شده بود زیرا دکتر به او گفته بود که بی عینک چیز نخواهد... آن وقت حالا جلو همهٔ بچه‌های کلاس بهش بگویند حَقّه‌باز و شلاقش بزنند آن هم در جایی که همیشه کارت شاگرد اولی یا دومی می‌گرفت و سردستهٔ یورکی‌ها بود!» (جویس، همان: ۷۳)

تا اینکه حوادثی در زندگی خانوادگی قهرمان باعث می‌شود که او یک سره از مرحلهٔ دو به سه نقل مکان کند. در این مرحله «شکاف‌ها و گسست‌های ساختاری-اجتماعی و از دست رفتن انسجام صوری و محتوایی خانواده و دریک کلام شکاف نسلی، فرد را از سویی دچار بحران هویت و از سوی دیگر دچار سرخوردگی و انزوا می‌کند.» (یوسفی مقدّم و ذکایی، ۱۳۹۶: ۶۳)

«استیون روی عسلی کنار پدرش نشست و به سخنان دراز و پریشانی که او با خود می‌گفت گوش داد. اول از آن حرف‌ها چیز زیادی سر در نیاورد اما رفته رفته فهمید که پدرش دشمنانی دارد و جنگی در شرف وقوع است. این را هم احساس کرد که در این جنگ پای خود او نیز در میان است و بار وظیفه‌ای بر دوشش نهاده می‌شود.» (همان: ۹۰)

او ناگزیر برای مدتی مدرسه را رها می‌کند و برای کمک در امرار معاش خانواده شیر می‌فروشد: «استیون گاهی با گاری که عصرها شیر می‌آورد گشتی می‌زد: و همین گاری سواری‌ها در هوای خنک کثافت گاودانی را از یاد او پاک کرد ... بفهمی نفهمی احساس کرده بود که پدرش توی دردسر افتاده است و به همین دلیل است که او را به کلانگوز برنگردانده‌اند.» (همان: ۸۸)

او به دلیل شخصیت درونگرا و متفاوت از دیگران و نیز به سبب تغییرات در زندگی خانوادگی زودتر از کودکان دیگر به مرحلهٔ سه می‌رسد:

«در مهمانی بچه‌ها توی «هارولد زکراس» نشسته بود، روحیهٔ خاموشی و مراقبت بر او چیره‌تر شده بود و کمتر به بازی مشغول می‌شد.» (همان: ۹۳)

در این مرحله استیون بیش از این که در خانه و کنار خانواده باشد، با دوستان مدرسه روزگار می‌گذراند؛ حتی با آگاهی به تضاد شخصیتی خود با برخی همسالان مانند هرون و والیس، باز خود را سر راه آنان قرار می‌دهد:

«صدای بلندی از بیخ گلو ای هرون! به فریاد گفت: - این است ددالوس شریف که تشریف می‌آورد! خیر مقدم بر آن دوست محرم باد! این خیر مقدم به یک خندهٔ ملایم بی شور و شغف انجامید که ضمن آن هرون چاق سلامتی کرد و بعد شروع کرد به زدن چوب‌دستی خود بر زمین.

استیون برجا ایستاد و همچنان که نگاهش را از هرون به دوست او می‌چرخاند گفت: آری، بیامدم.» (همان: ۱۰۲)

به تدریج فضای مدرسه، معلّم‌ها و هم‌کلاسان آنقدر برای استیون اهمّیت می‌یابد که او را از مرحلهٔ سه به چهار می‌رساند. در این مرحله استیون می‌کوشد قوانین جمع را رعایت کند گرچه مطابق میلش نباشد. از بی‌آبرویی و سرزنش دیگران می‌هراسد هر چند که در گفتار و نوشتار خود محق باشد. زمانی که آقای تیت (Tate) معلّم زبان انگلیسی یکی از جملات انشاء او را به کفر نسبت می‌دهد، او به سرعت آن را در جمع اصلاح می‌کند. (ر.ک: همان: ۱۰۷ و ۱۰۶)

برخلاف قهرمان رمان همسایه‌ها، قهرمان این رمان به تکرار در شرایطی قرار می‌گیرد که ویژگی‌های مرحلهٔ چهارم نظریهٔ اخلاقی کلبِرگ را تجربه کند؛ ویژگی‌هایی چون قانون‌مداری، حفظ نظم اجتماعی و وجدان و حفظ عزّت نفس در جامعه. او در خانه در بحث‌های سیاسی و مذهبی پدرش با دوستانش شرکت می‌کند، در نمایش مدرسه نقش به عهده می‌گیرد و همراه پدر به شهر زادگاه پدر - کورک - می‌رود تا خاطرات او را زنده کند:

«صبح زود روز بعد از قهوه خانهٔ نیوکوم راه افتادند که در آنجا فنجان آقای ددالوس روی نعلبکی لغزیده و سروصدا کرده بود و استیون کوشیده بود با تکان دادن صندلی خود و سرفه کردن آن نشانهٔ شرم‌آور میخواری شب پیش پدرش را بیپوشاند.» (همان: ۱۲۵)

### نقد تطبیقی سطح اخلاق قراردادی در دو رمان

در این سطح عملکرد دو قهرمان به شدّت تحت تأثیر روابط بین فردی است. این روابط بین فردی با توجه به فضای آشوب‌زدهٔ رمان «همسایه‌ها»، خالد را وارد فضای سیاسی می‌کند تا مرحلهٔ سه را تجربه نماید؛ اما بی‌اعتمادی به طبقهٔ حاکم مانع ورود او به مرحلهٔ چهارم این سطح می‌شود. در رمان «چهرهٔ مرد هنرمند...» استیون به عنوان یک ابرقهرمان کمی زودتر از محدودهٔ زمانی نظریهٔ کلبِرگ وارد این سطح می‌شود و هر دو مرحلهٔ آن را تجربه می‌کند.

### سطح اخلاق فرا قراردادی

#### سطح اخلاق فرا قراردادی قهرمان در رمان «همسایه‌ها»

به‌طور کلی این سطح با نسبی‌گرایی اخلاقی شروع می‌شود ولی در نهایت به ردّ کامل نسبی‌گرایی و درونی شدن اصول و معیارهای اخلاقی (The social contract, legalistic orientation) می‌انجامد. «این اصول با عقل و تدبیر فرد انتخاب و پذیرفته شده‌اند و بر تمام قضاوت‌ها و تصمیمات او حاکم‌اند. تخلف از این اصول نیز احساس گناه و محکومیت وجدانی برای فرد به دنبال دارد. از آنجا که در این سطح پایانی افراد از معیارهای عرف عبور کرده، انتخاب‌های

اخلاقی آن‌ها به جای عرف، بر اساس این اصول شکل می‌گیرند، سطح فرا عرفی نامیده شده است.» (دیبا و دیگران، همان: ۳۷۶)

خالد کتاب «همسایه‌ها» پیرو نظریه اخلاقی سودگرا گاه برای حفظ آبرو و عزت نفس خود - برخلاف اصول اخلاقی - دروغ می‌گوید. «دختر می‌گوید: - شماره تلفن خونه‌تونو بدین تلفن کنیم به کسی بیاد دنبالتون. لبخند می‌زنم. همه چیز دستگیر زن می‌شود. - آدرس خونه‌تونو بدین. خجالت می‌کشم. خانه دنگال، دیواره‌های گلی، تنور صنم، الاغ‌های رحیم خوکچی، گاری عمو بندر، چارچرخه کرم، در شکست و بست خورده، اتاق‌های خفه و توسری خورده و سرتاسر کف حیاط - از باران چند روز قبل - گل و لای تا قوزک پا. باز، دروغ می‌گویم: - من مسافرَم.» (محمود، همان: ۱۸۳)

در مرحله پنج نگاه انتزاعی شخصیت هم نسبت به دوره‌های پیشین رشد چشمگیری دارد به گونه‌ای که نگاه قهرمان از ظاهر آدم‌ها و رخدادها گذشته، به درون آن نفوذ می‌کند. این مسئله نوعی پختگی برای شخصیت داستان به ارمغان می‌آورد. به عنوان مثال خالد که زمانی در سطح یک به اندام ورزیده غلام، پسرخاله رعنا توجه داشت؛ حال با تحلیل گفتار و کردار غلام از او بیزار می‌شود:

«چه شده است که روز به روز از پسرخاله رعنا بیشتر بدم می‌آید. دلم نمی‌خواهد حتی نقشش را ببینم.» (همان: ۲۰۱)

این نکته در تفاوت احساس خالد به سیه چشم نسبت به احساس او به بلور خانم نیز دیده می‌شود. خالد در مراحل پیشین به بلور خانم زن زیبا و لوند همسایه نگاهی کاملاً جنسی و شهوانی دارد؛ اما کم کم بلور خانم از ذهن او محو می‌شود و عشق سیه چشم برای قهرمان شکل می‌گیرد؛ عشقی حقیقی که کمترین نشانه‌های لذت جنسی را دارد:

«دلم می‌خواهد با همین پای شل بلند شوم و بروم سراغ سیه چشم. اصلاً از ذهنم بیرون نمی‌رود. بهش که فکر می‌کنم دلم سنگین می‌شود. غم می‌گیردم، فکر کردن به سیه چشم با فکر کردن به بلور خانم زمین تا آسمان تفاوت دارد.» (همان: ۲۰۲)

به موازات بلوغ احساسی، قهرمان عملاً وارد مبارزه سیاسی می‌شود، کتاب و مقاله توزیع می‌کند و برای اعتصاب کارگران شرکت نفت برنامه می‌ریزد. (رک: همان: ۲۱۹)

در این کتاب، فقر اقتصادی و فرهنگی همسایه‌ها، بیکاری پدر، بی‌پناهی و خستگی مادر، عشق سیه چشم، آشنایی با جوانان مبارز، ظلم و سنگدلی پاسبان‌ها به عنوان نمایندگان طبقه حاکم، تجربه زندان و شکنجه و ... خالد را به سرعت به مرحله پنج و گاه شش می‌رساند. اوج رشد اخلاقی - شخصیتی خالد را می‌توان در صحنه‌ای دید که پدر در زندان به دیدنش می‌رود.

«سرم را بالا می‌گیرم و به چشمان پر غرور پدرم نگاه می‌کنم که برق می‌زند. لبخند کم رنگی زیر گونه‌های استخوانی‌اش خط انداخته است. نگاهش چنان درخشان است که تا حالا ندیده بودم. انگار حالا بهتر می‌توانم حرف بزنم. نگاه کردنش بهم قوت قلب می‌دهد. از محبت جوشانش سرشار شده‌ام. ناگهان، در یک لحظه، از همهٔ رنج‌هایی که بهش داده‌ام شرم می‌کنم. - من اگر زندونی شدم شاید... حرفم را می‌خورم. می‌خواهم بگویم که «شاید به خاطر تو بود، به خاطر مادرم بود، به خاطر جمیله... به خاطر عمو بندر و به خاطر آدم‌هایی مثل مش رحیم و خواج توفیق و ...» حرفم را می‌خورم. در برابر بزرگواری پدرم آنقدر زبون شده‌ام که همهٔ این حرف‌ها به نظرم مسخره می‌آید.» (همان: ۴۳۵ و ۴۳۴)

با وجود این در پایان کتاب می‌بینیم قهرمانی که به مرحلهٔ شش رسیده و تقریباً همهٔ ویژگی‌های آن را دارد، مقهور قدرت حاکم می‌شود و به سطوح زیرین سقوط می‌کند: خدمت اجباری و تکراری سربازی.

### سطح اخلاق فرا قراردادی در رمان «چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی»

ورود استیون ددالوس به سطح اخلاق فرا قراردادی از گونهٔ دیگر است، گرچه او نیز چون قهرمان رمان «همسایه‌ها» گاه از قوانین اجتماعی به سوی قوانین انسانی می‌گریزد:

«زمانی که ذهنش به دنبال موجودات خیالی ناملموس می‌رفت و در عین بی‌ارادگی از این کار رو برمی‌گرداند دور و بر خود پیوسته صدای پدر و معلم خود را می‌شنید که به او نصیحت می‌کردند در درجهٔ اول آقامنش باشد و به او نصیحت می‌کردند که کاتولیک درست و حسابی باشد. آن صداها اکنون به گوش او پوک می‌آمد... وقتی که جنبش احیای ملیت به مدرسه کشانده شد باز هم صدای دیگر به او فرمان می‌داد که به وطن خود وفادار باشد و به اعتلای زبان و سنت خود یاری رساند... تا مدتی به آن صداها گوش می‌داد اما فقط وقتی خوش بود که از آن‌ها دور بود، جایی که آن صداها نمی‌رسید، تنها یا در کنار رفیقان خیالی.» (همان: ۱۱۳ و ۱۱۲)

با این حال گویا درنگ طولانی او در مرحلهٔ چهار، رعایت قانون، حفظ نظام اجتماعی و وجدان و روحیهٔ مذهبی آن‌چنان روح او را با فضایل آمیخته کرده که او پس از درنگی کوتاه در مرحلهٔ پنج به مرحلهٔ شش وارد می‌شود؛ گرچه از نظر سنتی هنوز مانده تا استیون به این مرحله وارد شود ولی پیروی از نظریهٔ اخلاقی وظیفه‌گرا غالباً به او شجاعتی بی‌نظیر می‌دهد.

در همان سنین نوجوانی، یک روز که چند تا از هم‌کلاسانش به تنبیه و زور از او می‌خواهند اعتراف کند که «بایرون کافر بوده است»، او به حکم وظیفه و با شجاعت از این کار سر باز می‌زند: «- اعتراف کن. - نمی‌کنم. نمی‌کنم. سرانجام پس از کشمکش پر تب و تاب خود را از چنگ آن‌ها رها کرد. شکنجه‌گرانش با خندیدن و مسخره کردن او به سوی جادهٔ جونز راه افتادند و او

که از اشک نیمه کور شده بود لنگان لنگان راه می‌رفت و دیوانه‌وار مشت‌هایش را گره کرده بود و هق‌هق می‌کرد.» (همان: ۱۱۱)

راوی بلوغ اخلاقی زود هنگام استیون را در پاراگرافی به زیبایی بیان می‌کند: «وقتی پدر استیون و دو رفیقش به یاد گذشته نوشیدند، استیون بلند شدن لیوان‌ها را از روی پیشخوان تماشا می‌کرد. سرنوشت یا خلق و خو بین او و آن‌ها مفاکی انداخته بود... حیات یا جوانی که در آنان جنب و جوش داشت در او جنب و جوش نداشت.» (همان: ۱۲۸ و ۱۲۷)

قهرمان این کتاب در مرحله شش هم نمی‌ماند بلکه با اندیشیدن در مسائل دینی و انسانی می‌کوشد از سطوح سه‌گانه کلب‌رگ فراتر رود و به مرحله هفت - که کلب‌رگ آن را تقریباً غیرممکن می‌دانست - وارد شود. کلب‌رگ ویژگی‌های این مرحله مفروض را اخلاق استعلایی یا اخلاق با جهت‌گیری جهانی و دیگر پیوند دین و اخلاق می‌داند.

«فتوای یعقوب قدیس که می‌گوید هر کس از یک فرمان تخطی کند، گناه تخطی از کل آن‌ها را بر گردن می‌گیرد، در ابتدا به نظرش نوعی قلمبه‌پردازی آمد تا اینکه شروع کرد به کورمال کورمال خزیدن در تاریکی احوال خود.» (همان: ۱۴۰)

استیون به این مرحله نیز بسنده نمی‌کند. زمانی که واعظ از مرگ سخن می‌گوید، او با تصویرسازی مرگ خود، گویا وجود خشک و صرفاً مذهبی خود را در خاک دفن می‌کند: «به جان کندن روح مبتلا شده بود. احساس می‌کرد که سردی مرگ به دست‌ها و پاهایش رسیده است و به سوی قلبش می‌خزد... پس باید به گورش سپارند. پس باید این نعش را در تابوت چوبی بگذارند و بر در آن میخ بکوبند. آن را بر دوش مرده‌کشان از خانه بیرون ببرند. آن را در سوراخ درازی توی زمین، توی قبر فرو کند و از چشم مردم پنهان سازند تا بگذرد، تا خوراک انبوهی کرم خزنده شود، تا موش‌های فرز شکم‌گنده آن را بلعند.» (همان: ۱۴۸)

این مرگ منجر به تولد دیگر برای استیون می‌شود: «وقتی که شکنجه شرم از او دور شد کوشید تا روح خود را از ناتوانی و زبونی بیرون کشد... با خود خیال کرد که در سرزمینی پهناور در کنار «اما» ایستاده است و با خاکساری و اشک‌ریزان خم شده و آرنج آستینش را بوسیده است.» (همان: ۱۵۳)

سپس استیون و اما در کنار هم قرار می‌گیرند، چون آدم و حوا به ضلالت می‌افتند، اما به معجزه عشق مورد لطف خداوند قرار می‌گیرند:

«او دست‌هایشان را در دست یکدیگر نهاد، دست در دست، و با دل آن دو سخن گفت: - دست همدیگر را بگیرید، استیون و اما. اکنون در عالم بالا شامگاه زیبایی است. شما به ضلالت در افتاده‌اید اما همواره فرزندان من خواهید ماند.» (همان: ۱۵۳)

عشق اما، استیون را به عنوان یک انسان به ذات اصیل انسانی‌اش برمی‌گرداند تا مورد عفو الهی قرار گیرد:

«روحش بار دیگر عمیق‌تر در اعماق آرامش توبه‌کاران فرو رفت، دیگر قادر نبود عذاب وحشت را تاب آورد و هم‌چنان که روح فرومی‌رفت دعای خفیفی می‌فرستاد. آری، هنوز هم جای آن بود که بخشوده شود؛ از ته دل توبه می‌کرد و عفو می‌شد...» (همان: ۱۶۵)

### نقد تطبیقی سطح اخلاق فراقراردادی در دو رمان

در رمان «همسایه‌ها»، این سطح برای قهرمان نوعی پختگی احساسی، فکری و سیاسی به همراه می‌آورد؛ اما در پایان کتاب، به دلیل فشارهای اجتماعی و سیاسی قهرمان مقهور قدرت حاکم می‌شود و به سطوح زیرین سقوط می‌کند.

در رمان «چهرهٔ مرد هنرمند...»، استیون نه تنها هر دو مرحلهٔ این سطح را تجربه می‌نماید، بلکه به عنوان یک ابرقهرمان -بی‌توجه به جدال‌های سیاسی و مذهبی- با اندیشیدن به مسائل انسانی از سطوح سه‌گانهٔ کلبرگ فراتر می‌رود و به مرحلهٔ هفت (اخلاق استعلایی) ورود می‌کند.

### استیون ددالوس و تولد دوباره

روح ناآرام استیون پس از درک منزلت پیشین که کامل می‌نمود هم‌چنان به سیر خود ادامه می‌دهد. فصول چهار و پنج کتاب به مسیر دیگری که این قهرمان می‌پیماید اشاره دارد. او در آغاز احوالات خود را در مرحلهٔ هفتم شرح می‌دهد، گاه ناخشنود و گاه خشنود؛ سپس شک و تردید و شروع تازه. در این قسمت سیر قهرمان در مرحلهٔ دوم زندگی بر اساس نظریهٔ کلبرگ به اختصار بیان می‌شود:

سطح یک نظریهٔ کلبرگ چنان که پیش‌تر گفته شد به کودکان تا هفت سال می‌پردازد. گرچه شخصیت داستان اکنون شانزده سالگی را پشت‌سر گذاشته، دوباره این سطح را به شکلی دیگر تجربه می‌کند که خود نشان از تولد دوبارهٔ او دارد. او در این سطح به قدرت و قانون مطلق الهی باور دارد، به گناهان خود می‌اندیشد و از ترس تنبیه و مجازات الهی و به امید پاداش الهی مناسک دینی را با دقت و جدیت به جای می‌آورد:

«در هر هفت روز هفته دعای دیگری می‌کرد تا یکی از هفت نعمت روح القدس بر روح او نازل شود و روز به روز هفت گناه کبیره‌ای را که در گذشته او را آلوده بود از روح او بیرون براند» (همان: ۱۹۳)

او حتی گاه مطابق مرحلهٔ دو این سطح آشکارا اعمالش را با جذب‌های روحانی مبادله می‌کند:

«و گویی احساس می‌کرد روحش در عین ایثار مانند انگشت بر روی شستی‌های یک ماشین حساب بزرگ فشار می‌آورد و می‌بیند که مبلغ آنچه خریده است بی‌درنگ در ملکوت آسمان ظاهر می‌شود، نه به صورت عدد بلکه به صورت ستون باریکی از عود یا یک گل نازک.» (همان: ۱۹۲)

دیری نمی‌پاید که استیون در این مرحله (چون مرحله سه) دچار شک و تردید می‌شود و ترس مبهمی روحش را فرا می‌گیرد:

«وقتی که بدین گونه بارها از سیلاب وسوسه‌گریخت پریشان شد و از خود می‌پرسید که مبدا رحمتی که حاضر نشده بود آن را از دست بدهد اندک اندک از او ربوده می‌شود. آن ایقان واضحی که به عصمت خود داشت تیره و تار شد و جای آن را ترس مبهمی گرفت از این که مبدا روحش در واقع ناهشیارانه سقوط کرده باشد.» (همان: ۱۹۸)

این ترس بیشتر از آن روست که استیون در نهان، خود را لایق مرتبت‌های معنوی که به او پیشنهاد می‌شود نمی‌داند؛ بلکه بیشتر می‌پسندد چون یک کشیش دون پایه و عادی در حفظ نظم و نظام کلیسا بکوشد.

(مرحله چهار):

«آرزو داشت به کارهای کوچک عبادی بپردازد، لباس بی‌آستین نایب شماس را در مراسم عشای ربانی بپوشد، دور از محراب بایستد، مردم او را فراموش کنند، عبا ماندی روی شانه‌هایش بیندازد، بشقاب نان متبرک را لای آستین‌های عبا بگیرد...» (همان: ۲۰۵)

استیون در فصل چهار کتاب به شکوه، به جاذبه‌ها و جذبه‌های کلیسا می‌اندیشد ولی اندک اندک می‌یابد که این شیوه زندگی با زندگی آزادی که خواسته درونی اوست منافات دارد.

«سرنوشت او آن بود که از نظام‌های اجتماعی و دینی بگریزد. حکمت دعوت کشیش او را به جنب و جوش نیاورده بود و سرنوشت او آن بود که حکمت خود را جدا از دیگران بیاموزد یا حکمت دیگران را خود با سرگردانی در گیرودار عالم بیاموزد.» (همان: ۲۰۹)

مسیر زندگی او تغییر می‌کند: از کلیسا به دانشگاه، او به دانشگاه می‌رود تا «از تیررس قراولانی که نگهبان دوران کودکی او بودند دور شود.» (همان: ۲۱۳) و به سوی هدف راستین زندگی خود حرکت کند.

استیون جوان در فصل پنج کتاب با مسیرهای گوناگون زندگی آشنا می‌شود. تعصب ملی - ایرلندی دیوین، سیاست‌بازی ماک کان، سخنان لینچ درباره هنر و زیبایی، معاشرت با دخترکان زیبارو، کفر و بی‌خدایی تمپل و سرانجام گفتگوهای زیرکانه کرانلی؛ تا اینکه با شجاعت راه خود را انتخاب می‌کند. (مرحله هفت):

«استیون گفت: بین، کرانلی، تو از من پرسیدی که چه کاری حاضرم بکنم و چه کاری حاضر نیستم بکنم. حالا من به تو می‌گویم که چه کاری خواهم کرد و چه کاری نخواهم کرد. من چیزی را بندگی نخواهم نمود که دیگر به آن اعتقاد ندارم چه اسمش خانواده‌ام باشد، چه وطنم و چه کلیسایم؛ و سعی خواهم کرد با نوعی شیوهٔ زندگی یا شیوهٔ هنری هر قدر که می‌توانم به آزادی و به تمامی، ضمیر خود را بیان کنم و برای دفاع از خود فقط سلاح‌هایی را به کار برم که خود را در استفاده از آن‌ها مجاز می‌دانم - سکوت، جلای وطن و زیرکی.» (همان: ۳۱۹)

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سیمای خالد، قهرمان رمان «همسایه‌ها» اثر احمد محمود با سیمای استیون ددالوس قهرمان رمان «چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی» مقایسه شده است. معیار مقایسه در این پژوهش تطبیقی نظریهٔ روانشناسی - اخلاقی کلبرگ است. در این جستار که پژوهشی تحلیلی - توصیفی است، هر دو قهرمان مورد بحث در چارچوب این نظریه قرار گرفته و تطبیق داده شده‌اند. سطح اول نظریهٔ کلبرگ به استدلال‌های اخلاقی کودکان براساس تنبیه و تشویق می‌پردازد. قهرمانان هر دو کتاب مورد بحث به شکل طبیعی - با اندک تفاوتی - این سطح را در زندگی خود تجربه می‌کنند.

سطح دوم نظریهٔ کلبرگ سطح اخلاق قراردادی است. تحوّل شخصیتی خالد در این مرحله کاملاً آشکار است ولی چون قهرمان در جامعه‌ای تنش‌زده زندگی می‌کند که مردم آن - و نیز قهرمان - چندان ارزشی برای دستگاه حاکم و قوانین آن قائل نیستند، قهرمان مدت کوتاهی در این سطح - به ویژه مرحلهٔ چهار - درنگ می‌کند.

در رمان «چهرهٔ مرد هنرمند...» استیون که طبق نظر منتقدان ادبی تصویری از خود جیمز جویس است، به عنوان یک ابر انسان با استعدادهایی خاص و متفاوت به خواننده معرفی می‌شود. او برخلاف خالد، به تکرار در شرایطی قرار می‌گیرد که ویژگی‌های مرحلهٔ چهار نظریهٔ کلبرگ را نیز تجربه کند؛ ویژگی‌هایی چون قانون‌مداری و حفظ نظم اجتماعی.

در سطح سوم که اخلاق پساقراردادی نامیده می‌شود، اصول و معیارهای اخلاقی برای فرد درونی می‌شود و نگاه انتزاعی جای نگاه عینی را می‌گیرد. در کتاب «همسایه‌ها» عوامل نامساعد اجتماعی قهرمان را به سرعت به مرحلهٔ پنج و گاه شش می‌رساند. با وجود این در پایان داستان می‌بینیم قهرمانی که به مرحلهٔ شش رسیده، مقهور قدرت حاکم می‌شود و به سطوح زیرین سقوط می‌کند. حضور استیون ددالوس در سطح اخلاق پساقراردادی متفاوت است. گویا به دلیل درنگ طولانی او در مرحلهٔ چهار، رعایت قانون و پیروی از دستورهای مذهبی آن چنان با روح او آمیخته

شده که او پس از درنگی کوتاه در مرحله پنج به سرعت به مرحله شش (شجاعت اخلاقی) وارد می‌شود، گرچه از نظر سنی هنوز مانده تا به این مرحله برسد. او حتی در این مرحله هم نمی‌ماند بلکه با اندیشیدن در مسائل دینی و انسانی از این سطح فراتر رفته، به مرحله هفت (اخلاق استعلایی) می‌رسد.

روح نآرام استیون به عنوان یک ابر انسان به این منزلت هم بسنده نمی‌کند. او پس از تولدی دوباره، راه تکامل خود را در مسیری دیگر - مسیر هنر - می‌پیماید. فصول چهار و پنج کتاب به این مسیر جدید می‌پردازد.

کوتاه سخن آنکه گرچه نظریه اخلاقی کلبرگ طرحی جهان‌شمول است، لیکن ویژگی‌های فردی و نیز عوامل محیطی و اجتماعی تأثیری به‌سزا در روند شکل‌گیری آن دارد. گاه عوامل و موانع اجتماعی فرد را از ادامه مسیر بازمی‌دارد و یا باعث می‌شود فرد مدت کوتاهی در یک مرحله تکاملی بماند و گاه ظرفیت‌های خاص فردی و عوامل مساعد اجتماعی سبب ورود زود هنگام فرد به سطوح اخلاقی، سرعت در طی مراحل و نیز رسیدن به مراحل فرضی بالایی آن می‌شود.

## منابع

### کتاب‌ها

- برادبری، مالکوم، (۱۳۸۳)، *جهان مدرن و ده نویسنده بزرگ*، ترجمه فرزانه قوجلو، چاپ دوم، تهران: نشر چشمه، پاینده، حسین، (۱۳۹۷)، *نظریه و نقد ادبی*، ج ۱، چاپ اول، تهران: سمت.
- جویس، جیمز، (۱۳۸۰)، *چهره مرد هنرمند در جوانی*، ترجمه منوچهر بدیعی، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- خواجehوند، فریبا، (۱۴۰۱)، *روان‌شناسی و ادبیات*، چاپ اول، گرگان: انتشارات نوروزی.
- دیبا، حسین؛ بوسلیکی، حسن؛ مرادی، حسین، (۱۳۹۸)، *نظریه‌های کلاسیک شناختی - تحوّل در رشد اخلاقی*، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شعبی، فاطمه، (۱۳۹۲)، *قضاوت اخلاقی*، چاپ اول، تهران: نشر الکترونیکی کتاب سبز.
- کدیور، پروین، (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی اخلاق*، تهران: انتشارات آگه.
- کرین، ویلیام، (۱۴۰۲)، *نظریه‌های رشد (مفاهیم و کاربردها)*، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد، چاپ دهم، تهران: رشد.
- لاپسلی، دانیل کی، (۱۳۸۹)، *نظریه‌های مرحله‌ای اخلاق*، ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- محمود، احمد، (۱۳۵۷)، *همسایه‌ها*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ولک، رنه، (۱۳۹۹)، *روایت رنه ولک از ادبیات تطبیقی*، ترجمه سعید رفیعی، چاپ دوم، تهران: چشمه.
- ولک، رنه؛ وارن، آوستن، (۱۳۷۳)، *نظریه ادبیات*، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- یاوری، حورا، (۱۳۸۷)، *روانکاوی و ادبیات (دو متن، دو انسان، دو جهان)*، چاپ اول، تهران: سخن.

## مقاله‌ها

- آرامی، سیمین؛ صراطی، ژیلا؛ حاجی‌زاده، حسین؛ دهقان، علی، (۱۴۰۱)، «تحلیل اخلاقی تمثیل‌های مخزن الاسرار نظامی بر اساس نظریهٔ مراحل رشد اخلاقی لارنس کلبِگ»، **تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی**، ش ۵۳، صص ۲۶-۲.
- آرامی، سیمین، صراطی، ژیلا؛ حاجی‌زاده، حسین؛ دهقان، علی، (۱۴۰۰) «تحلیل رفتار شخصیت‌های داستانی منظومهٔ خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریهٔ رشد اخلاقی کلبِگ»، **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی**، ش ۵۰، صص ۱۴۹-۱۲۰.
- بحرانی، مرتضی، (۱۳۹۸)، «یک نظریه در باب میان‌رشتگی؛ مقدمه و گزارشی از یک پژوهش»، **مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره ۱۲، ش ۱، پیاپی ۴۵، صص ۲۸-۱.
- جهانگیرزاده، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «دیدگاه‌های شناختی تحوُّلی در رشد اخلاقی»، **معرفت اخلاقی**، سال ۲، ش ۴، صص ۱۲۲-۱۰۱.
- خدادادی مهاباد، معصومه، (۱۳۸۷)، «روانشناسی و ادبیات»، **همایش ملی پژوهش‌های نوین در زبان و ادبیات فارسی**، صص ۲۳۵-۲۲۸.
- دهمرد، حیدرعلی، (۱۴۰۲)، «بررسی شخصیت‌های داستانی تاریخ بیهقی براساس نظریهٔ رشد اخلاقی کلبِگ»، **نثرپژوهی ادب فارسی**، ش ۵۴، صص ۱۶۷-۱۴۵.
- رحمانیان، زینب، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رشد اخلاقی در قابوسنامه از دیدگاه کلبِگ»، **پژوهش‌های ادبی و بلاغی**، ش ۸، صص ۴۵-۳۲.
- علوی‌زاده، فرزانه سادات، (۱۴۰۰)، «مطالعات میان‌رشته‌ای ادبیات تطبیقی، رویکردهای روش‌شناسی آن و بحران هویت ادبیات تطبیقی»، **ادبیات تطبیقی**، سال ۱۳، ش ۲۵، صص ۲۰۷-۱۷۹.
- فانی، حجت‌الله؛ فانی، معصومه، (۱۳۹۴)، «رابطه بین تعارضات زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان دختر»، **زن و جامعه**، سال ۶، ش ۴، پیاپی ۲۴، صص ۷۵-۵۹.
- مختاری، مسروره؛ کاظم‌پور، مهسا، (۱۳۹۸)، «اجتماعیات در ترجمهٔ داستان «سرگذشت ژیل بلاس»، **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال ۱۳، ش ۵۱، صص ۲۵۹-۲۳۱.
- منگلی، ماندانا، (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی رمان‌های «شیک‌گو» از علاء‌الاسوانی و «همسایه‌ها» از احمد محمود»، **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال ۱۵، ش ۵۸، صص ۷۹-۵۳.
- مهندی، حسین، (۱۳۹۹)، «بررسی روانشناختی مراحل تحوُّل رشد اخلاقی در داستان «صراخ القبور» (فریاد گورها) بر اساس نظریهٔ لارنس کلبِگ»، **لسان‌مبین (پژوهش ادب عربی)**، سال ۱۱، دوره جدید، ش ۳۹، صص ۱۰۵-۸۷.
- یوسفی مقدّم، شقایق؛ ذکایی، محمّد سعید، (۱۳۹۶)، «بازنمایی مناسبات نسلی از منظر ادبیات داستانی پیش و پس از انقلاب اسلامی»، **تحقیقات فرهنگی ایران**، دوره ۱۰، ش ۳، صص ۷۸-۵۱.

## پایان‌نامه

نخستین، ابراهیم (۱۳۷۳)، پایان‌نامه: بررسی مراتب رشد اخلاقی در آثار سعدی و مقایسه آن با نظریه کلبگ، استاد راهنما: عزت‌الله نادری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه تربیت معلّم تهران. نصیری، منصور (۱۳۸۷)، «نگاهی به نظریه رشد اخلاقی کلبگ»، معرفت، ش ۱۳۲، صص ۱۳۴-۱۲۵.

Gibbs, J.C. (1995), *The cognitive Developmental Perspective*, In Kurtines W.M., & Gewirtz J.L. *Moral Development: An Introduction*. Boston: Allyn & Bacon.

Kohlberg, Lawrence (1981), *From Is to Ought, In Essays on Moral Development*; Vol. 1: The philosophy of Moral Development, Sanfrancisco: Harper & Row.

Kohlberg, Lawrence. (1976), *Moral Stages and Moralization: The cognitive developmental In moral development and behavior: Theory, research and social issues*, ed. T. Lickona, New York: Holt, Rinehart and Winston.

Piaget, Jean. (1965), *Moral Judgement of the child*, New York: Free press.

### COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** خاتمی کاشانی زهرا، نقد تطبیقی سیمای قهرمان در رمان‌های «همسایه‌ها» اثر احمد محمود و «چهره مرد هنرمند در جوانی» اثر جیمز جویس بر اساس نظریه لارنس کلبگ، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۷۶، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۱۸۹-۱۶۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی